

نقش زنان در پیشرفت تمدن اسلامی (دوره صدر اسلام)

آمنه هاشمی^۱

چکیده

نقش مهم زنان در شکل‌گیری جامعه انسانی بر هیچ کسی پوشیده نیست. بررسی و موقعیت زنان در پیشرفت تمدن اسلامی، نشان می‌دهد که آنان در بسیاری از امور اجتماعی، اقتصادی، علمی، سیاسی و حتی امور دفاعی با حفظ عفت و کرامت انسانی خود، شرکت فعال داشته و در بسیاری از موارد نیز موفق بوده‌اند. این پژوهش با هدف بررسی مشارکت زنان مسلمان صدر اسلام در زمینه میزان و نقش مؤثر آنان در جامعه اسلامی تدوین شده است. این تحقیق با روش مطالعه اسناد تاریخی (روش اسنادی) است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که زن پیش از اسلام جایگاه والایی نداشت و از بسیاری از حقوق انسانی خود محروم بود. با ظهور اسلام، تحول همه‌جانبه در جایگاه و منزلت زن ایجاد شد؛ به گونه‌ای که در عرصه‌های مختلف مانند بیعت، هجرت، دفاع از ولایت و... پایه‌پای مردان یار و یاور پیامبر و امام عصر خود بودند. اسلام موافق حضور اجتماعی و سیاسی زن در جامعه است، ولی به‌منظور حفظ کرامت و شخصیت انسانی زن و جلوگیری از استفاده ابزاری از او و حفظ کانون خانواده، چارچوب و شرایطی برای این حضور تعیین نموده است که مهم‌ترین آن حفظ حجاب و پاک‌دامنی در فعالیت‌های اجتماعی او است.

کلیدواژه‌ها: زنان، تمدن، پیشرفت، تمدن اسلام، دین اسلام

۱. ماستر کلام اسلامی، دانشگاه اهل بیت، تهران - ایران.

ایمیل: aminahashemi2010@gmail.com



مقدمه

تمدن یک پدیده انسانی است و در اثر برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه، پدید می‌آید؛ به تعبیر دیگر، تمدن نظم اجتماعی است که در نتیجه آن، رشد اقتصادی و سیاسی، خلاقیت فرهنگی و بسط فرهنگ و هنر، امکان‌پذیر شده و جریان پیدا می‌کند. قرائن نشان می‌دهد که زنان در ساختن تمدن اسلامی، نیز دوشادوش مردان، نقش برجسته داشته‌اند؛ خصوصاً در دین اسلام که زن و مرد از نظر وجهه انسانی و کرامت ذاتی، مساوی است. قرآن می‌فرماید: ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ [این‌ها ملاک برتری نیست]، گرامی‌ترین شما نزد خداوند، با تقواترین شما است». (حجرات: ۱۳)

بی‌گمان با طلوع خورشید اسلام، زندگی زنان دگرگون شد. زنانی که تا قبل از آن با مشکلات حقوقی و اجتماعی فراوانی مواجه بودند؛ مشکلاتی چون ازدواج اجباری، زنده به گور کردن دختران، قوانین آسان طلاق، محرومیت از ارث و کالا قلمداد شدن زنان؛ اما با ظهور اسلام، سعی شد تا این پدیده‌ها تصحیح گردد. قرآن به شدت از حق حیات زنان دفاع و به رسم زنده به گور کردن دختران شدیداً انتقاد کرد و نیز رضایت دختر در ازدواج را به عنوان یکی از شرایط صحت ازدواج، مطرح کرد. زنان در اسلام از ارث بهره‌مند و حقوق مختص به خود را دارا شدند. هرچند تفاوت‌هایی در احکام و حقوق اسلامی بین زنان و مردان وضع شده است که بر اساس آن می‌توان به تفاوت در میزان ارث، میزان دیه، نفقه، مهریه، حق تعدد زوجات، قیومیت، حضانت، طلاق، حجاب، شهادت، قضاوت و جهاد، توجه نمود. بی‌شک تمدن اسلامی یک برهه درخشان تاریخ بشریت است، نه فقط از جهتی که مسلمانان برای ایجاد یک دوره درخشنده موفق شدند یا توانستند، تا قرن سیزدهم میلادی آن را همچنان استوار نگه دارند، بلکه به سبب آزادی، امنیت، عدالت و قانونی که آن‌ها را به ایجاد یک جامعه پویا و مرفقی موفق کرده است. تمدن اسلامی البته از قرآن و احادیث مایه گرفته و با روح و حیانی دین آبیاری شده است. در این تحقیق سعی بر آن است که



نقش زنان در پیشرفت و ترقی تمدن اسلامی روشن شود.

۱. تعریف مفاهیم

۱-۱. زن

واژه زن یک نام همگانی برای اشاره به انسان مؤنث، موجود مختار و دارای هوش و آگاهی است و برخوردار از روح کامل انسانی و اراده و اختیار که در مسیر تکامل می تواند، بار رسالت انسانیت را به دوش گیرد (مصطفوی، ۱۳۸۲: ۱۳) در فارسی واژه های «بانو»، «خانم» و در قدیم «خاتون» نیز برای اشاره محترمانه به زن، کاربرد دارد.

۱-۲. تمدن

تمدن مصدر عربی از باب تفعیل و اسم مصدر فارسی است که از واژه مدینه به معنای شهر یا شهرنشینی اشتقاق یافته است. معادل انگلیسی آن (Civilization) است که ریشه در واژه های (Civis) به معنای کسی که در شهر زندگی می کند و (Civitas) به معنای جامعه ای که فردی در آن ساکن می شود، است. این واژه نیز ریشه در تحولات تفکر مدرن اسلامی و شرقی دارد و به همین دلیل ارزش اخلاقی و دینی در آن نهفته است. واژه تمدن در قرن هجدهم در مقابل بربریت به کار می رفت؛ اما به مرور زمان معنای تحول پیدا کرده و شکل جدیدی را به خود گرفته است. به رغم استفاده وسیع واژه تمدن تا هنوز تعریف واحدی از آن شکل نگرفته است. برخی تمدن را «همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و... خوانده» و نیز در جای دیگر «تمدن به مفهوم خو گرفتن با اخلاق و آداب شهریان آمده است. (معین، ۱۳۸۷: ۵۳۲)

۳. تمدن اسلامی

پیش از تعریف تمدن اسلامی، توجه به این موضوع لازم است که در تقسیم بندی های که از ادیان جهانی می شود، اسلام در زمره ادیان تمدن ساز قرار می گیرد. بدون شک



تمدن اسلام از دل قرآن و سنت حضرت پیامبر (ص) برخاسته و از فرهنگ اسماعیلی (ع) جوانه زده و رشد کرده است. تمدن اسلامی مجموعه‌ای از آثار و تولیدات است که پس از ظهور دین اسلام در جزیره العرب و پیوستن مردمان دیگر سرزمین‌ها، پدید آمده است. اگرچه ارائه تعریف دقیق و جامع از تمدن دشوار است، ولی قدر مسلم این است که هر تمدنی بر پایه دو نظام، یکی ارزشی و دیگری اجرایی استوار است. نظام ارزشی اعم از ارزش‌های فردی و اجتماعی دربردارنده همه جنبه‌های تربیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است. مطالعه تعالیم اسلامی به خوبی نشان می‌دهد که دین اسلام به هر دوی این نظام‌ها، التفات داشته است؛ زیرا از سویی همه ارزش‌های فردی و اجتماعی را تعریف کرده و از سوی دیگر، پابندی به آن‌ها را از پیروانش خواسته که در چهارچوب آن‌ها استعدادهای انسانی شکوفا می‌گردد. (زرین کوب، ۱۳۹۴: ۲۴)

بنابراین همه لوازم یک تمدن انسانی و سازنده در تعالیم اسلامی گنجانده شده است؛ به گونه‌ای که بستر ایجاد تمدن در متن اسلام فراهم است. چنانکه در یک برهه تاریخی، بخش گسترده‌ای از جهان آن را تجربه نیز کرده است؛ اما بسته به اینکه ملل و اقوام تا چه اندازه با اسلام آشنا باشند و قوانین و مقرراتش را به کار ببندند، به همان میزان در قلمرو تمدن اسلامی قرار می‌گیرد. تمدن طراحی شده بر پایه اسلام، افسار گسیخته نیست و هر کس حق حرکت به سمت و سوی دلخواه خودش را از هر لحاظ ندارد. اسلام خواهان اجرای فرمان‌های الهی و خیر و سعادت انسان است و هر آنچه بخواهد قوانین الهی را زیر پا گذارد یا آن را نادیده بگیرد و با هر بهانه‌ای بخواهد راه خیر و سعادت را بر انسان ببندد، اسلام با آن به مقابله بر می‌خیزد. بر پایه همین اصل است که بسیاری از جنبه‌های تمدن غربی از نظر اسلام پذیرفتنی نیست؛ زیرا در بسیاری از موارد، این تمدن دستورات الهی را زیر پا می‌نهد، منهیات الهی را مباح می‌شمرد و راه خیر و سعادت را بر انسان‌ها می‌بندد. تمدن اسلام، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن، بر محور اسلام باشد. این تمدن بر اساس نگرش توحیدی و مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی انسان را به سوی



سعادت و کمال سوق می‌دهد. (جان احمدی، ۱۳۹۱: ۵۱) تمدن اسلامی را می‌توان شامل دو جنبه دانست؛ یک جنبه آن به وسیله خود اسلام پدید آمده و در پرتو خلاقیت و ابتکار مسلمانان بسط و گسترش یافت، در حقیقت منشأ این جنبه از تمدن اسلامی قرآن و سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) بود؛ اما جنبه دیگر تمدن اسلامی، نه ابداع مسلمانان، بلکه میراث به‌جای مانده از تمدن‌های پیشین در قلمرو اسلام بود که به دست مسلمانان توسعه و تکامل یافت و به رنگ اسلام درآمد. (بینش، ۱۳۸۸: ۲۰)

۲. نقش زنان در پیشرفت تمدن اسلام

۱-۲. نقش فرهنگی

با بررسی تاریخ مکی فهمیده می‌شود که پیامبر اکرم (ص) از همان آغاز بعثت، دعوت خود را مخصوص مردان نگردانیده و پیام خود را مستقیم یا غیرمستقیم به گوش زنان نیز رسانیده است. شاهد آن، حضور نسبتاً چشم‌گیر زنان در حوادث مختلف این دوره است.

اولین زنی که از سوی پیامبر اکرم (ص) دعوت به پذیرش اسلام شد و اسلام را پذیرفت، همسر آن حضرت (ص)، خدیجه کبری (س) بود. خدیجه کبری نخستین زنی بود که آموزه‌های دینی - اسلامی را از شخص پیامبر اکرم (ص) آموزش دیده است. در این باره چنین گفته شده است که پیامبر اکرم (ص) خود وضو و نماز را از جبرئیل (ع) فرا گرفت و چون جبرئیل رفت، پیامبر اکرم (ص) به نزد خدیجه آمده و وضو و نماز را به او تعلیم داده و هر دو به نماز ایستادند. (حلبی، ۱۳۹۲: ۳۰) پس از خدیجه، فاطمه بنت اسد مادر حضرت علی (ع) دومین زن مسلمان بود. شهادت اولین زن مسلمان در همان اوایل بعثت؛ یعنی سمیه مادر عمار بن یاسر، بهترین دلیل بر رسوخ تعالیم اسلامی در میان زنان است. همچنین حضور آگاهانه تعدادی از زنان مسلمان همراه شوهران خود در هجرت به حبشه، نشانگر آشنایی آنان با تعالیم و معارف اسلامی است که مستقیماً توسط پیامبر اکرم (ص) و یا غیر مستقیم توسط شوهرانشان به آنان آموزش داده شده بود. (دخیل، ۱۴۱۰: ۲۹)



با استقرار دولت پیامبر اکرم (ص) در مدینه و پی‌ریزی شالوده‌های اولین حکومت اسلامی و بنیان‌گذاری مسجد برای عبادت و تعلیم معارف اسلامی، آموزش زنان نیز دچار تحولی عظیمی شد. نخستین کسانی که در مدینه تعلیم دیدند، همسران پیامبر بودند. آنان در زمان حیات و پس از درگذشت آن حضرت، مرجع مردم در مسائل دینی و فقهی بودند و خانه هر یک از آنان، به منزله مدرسه‌ای بود که طالبان دانش و حدیث در آن اجتماع می‌کردند و به فراگیری احکام شریعت و انواع دانش و حکمت سرگرم می‌شدند. بین مردم و همسران پیامبر، پرده‌ای آویخته بود تا کسی نتواند ایشان را ببیند.

همچنین زنان در صدر اسلام در گسترش ادبیات و شعر تلاش‌های فراوانی داشتند و در راستای تشویق سربازان به جنگ، سوگواری شهدا، سرگرمی و غیره فعالیت می‌کردند. شعرهای چون رثاء، غزل، فخر، هجاء... همگی تحت تأثیر تعالیم اسلامی قرار گرفت و دگرگونی‌های عمده‌ای در آن‌ها به وجود آمد. رثاء نیز به تبعیت از این تحول و تأثیر دگرگون شد و بسیاری از مفاهیم و معانی خود را از تعالیم اسلام گرفت. لذا مرثیه‌سرایان خصوصاً زنان مرثیه‌سرا، مرثیه‌های خود را به کسانی که در راه خدا جان می‌باختند، نثار می‌کردند و بر شهیدان اسلام می‌گریستند و شهیدان و جان‌فشانی‌های آنان را با شعر خود می‌ستودند و حتی آرزو می‌کردند که قبل از آنان جان می‌باختند تا به نعمت‌های بی‌پایان خداوندی زودتر می‌رسیدند و از آن بهره‌مند می‌شدند. اشعار صفیه دختر عبدالمطلب و عمه پیامبر اکرم (ص) از این دسته اشعار است. صفیه در رثای پدرش و حمزه برادرش و حضرت ختمی مرتبت اشعار شورانگیزی دارد. (ر.ک. ابن هشام، ۱۴۱۵، ۳: ۹۴)

با این‌که مدح بیشتر در شعر مردان تجلی می‌کند؛ اما این گونه شعری را در شعر زنان صدر اسلام نیز می‌توان به وفور پیدا کرد. زنان شاعر مانند شاعران مرد، به مدح و ستایش ممدوحان می‌پرداختند و صفات نیک و پسندیده را نثار آنان می‌کردند. مدح این دوره به طریق آمیخته به مرثیه و درد و رنج و غم و اندوه بوده است. خصوصاً مدایحی که برای اهل بیت پیامبر اکرم (ع) سروده شده است. از جمله این شاعران که



در مدح حضرت فاطمه زهرا(س) دختر لب گشوده، حفصه دختر عمر بن خطاب است. (الامین، ۱۹۸۳، ۱: ۳۱۲) عمرة دختر خنساء است که در مرثیه سرایی متبحر بوده و پیامبر اکرم(ص) به مرثیه‌های او گوش فرامی‌داده است. صفیه عمه پیامبر اکرم(ص) و نیز امّ ذر همسر ابوذر دوتن از شاعرانی هستند که در این دوره مطرح می‌باشند. (شاهین، ۱۳۷۶، ۱: ۹۸)

۲-۲. نقش اجتماعی زنان

حضور زنان در اجتماعات به‌رغم اینکه یکی از اظهر مصادیق استقلال اجتماعی زن شمرده می‌شود، اسلام با اجازه مشارکت زن در اجتماعات - جز در مواردی که موجب تعطیل شئون منزلی زن و فساد (انگیز) باشد- او را همدوش مرد قرار داده است، تا جایی که می‌تواند برای دیگران خطابه ایراد کند یا درس دهد یا حتی می‌تواند برای زنان، امام باشد. اسلام نه‌تنها هیچ‌گاه زنان را در امور اجتماعی منع نکرده، بلکه در برخی مسائل مانند حج، آن را واجب شمرده و در بسیاری موارد آن را مجاز دانسته است. نوشته‌اند که در زمان پیامبر اکرم(ص) برخی از اصحاب، زنان را از حضور در امور خارج از خانه منع می‌کردند، ولی با مخالفت آن حضرت مواجه می‌شدند. حضرت می‌فرمود خداوند به شما زنان اجازه داده است که برای برطرف کردن حوائج خود، از خانه خارج شوید. علاوه بر آن در حوادث فتح مکه ذکر شده که بعد از فتح مکه به دست مسلمانان، زنان مکه نزد پیامبر(ص) می‌آمدند و با آن حضرت بیعت می‌کردند. این امر حاکی از آن است که زنان نیز همانند مردان می‌توانستند در جامعه آزادانه حضور داشته باشند و حتی در تحولات اجتماعی مانند فتح مکه و بیعت مردم با پیامبر، شرکت کنند. در متون اسلامی نقل شده است که در زمان پیامبر اکرم(ص) زنان از جمله حضرت فاطمه(س) در تشیع جنازه بعضی از مسلمانان شرکت می‌کردند و آن حضرت هم آنان را از این کار منع نمی‌کردند. (خاتون، ۱۳۹۸: ۸)

از طرف دیگر، مهم‌ترین قاعده که اسلام برای زن قائل است، اختیار در تشکیل خانواده با میل و رغبت زن است. تشکیل خانواده از جمله مسائلی است که در اسلام



به صورت امضایی پذیرفته شده و با احکام خاص، ارزشمندی آن، مورد تأکید قرار گرفت. احکام امضایی و تأسیسی در کتاب‌های فقهی، بیان‌گر اهمیت تشکیل خانواده بوده و بنیان اجتماع بر آن نهاده شده است. یکی از ضرورت‌های تشکیل خانواده، بقای نسل است که با مسائلی از جمله تنظیم روابط جنسی، حمایت زیستی از اعضای خانواده، جامعه‌پذیری اعضای خانواده و آشنایی با آداب و سنن و فرهنگ، حمایت اجتماعی از اعضای ناتوان خانواده و غیره همراه است. (اچ، ۱۳۷۸، ۱: ۲۳۶)

نیاز جنسی و تداوم نسل که سبب به وجود آمدن نظام خانواده شد، هسته نخستین تمدن بشری است. تأسیس اجتماعی نوپا در مدینه النبی، نیازمند تعریف اصولی دینی در تشکیل خانواده با روش پاک و بنیانی مستحکم بود که بر اساس آن امکان بنای مدنیت و تمدن نبوی با زیرسازه‌های جدید به وجود می‌آمد. از آنجاکه حقوق و وظایف اعضای خانواده در جوامع بدوی متفاوت بود، پیامبر (ص) به تصحیح و اصلاح آن پرداخت و حقوق و اعضای هر یک را بر اساس اهداف کلی دین تبیین کرد و به زن خانه نقشی زیربنایی و اجتماعی داد. یکی از ارکان نهاد خانواده، محوریت مادر است. در زبان عربی به مادر «اُمّ» می‌گویند که به معنای «اصل، اساس، ابتدا و آغاز هر چیز است. اگر به سرزمین مکه، ام القری می‌گویند به خاطر این است که اصل و آغاز پیدایش تمام خشکی‌های روی زمین است. مادر را اُم می‌گویند به خاطر آن است که ریشه خانواده و پناهگاه فرزندان است». (امامی، ۱۳۸۷: ۱۷۵-۱۷۴)

در خانواده که متشکل از اعضای مختلف است، مادر دارای نقش نمایشی است که مربوط به روابط درونی خانواده است. زن در خانواده عصر جاهلی جایگاه خاصی نداشت و تنها زنانی که صاحب فرزندان پسر می‌شدند، به عنوان ام‌البین یا منجبه شناخته می‌شدند، ولی جامعه اسلامی به زن به عنوان نقش مادری اهمیت داده و وظیفه نگهداری و پرورش، تعلیم و تربیت و... را بر عهده مادر گذاشته است. این نقش در خانه، سبب ارزشمندی جایگاه زن و رفعت منزلت او به عنوان مادر شد. نگاه ارزشی به نقش مادر، سبب می‌شد تا زنان تنها به عنوان ظرف‌هایی برای رشد جسمانی کودک در نظر گرفته نشوند، بلکه ارزش مادر به مرحله‌ای تکاملی، یعنی



پرورشی جسمانی و معنوی ارتقا یافته و مادران زمینه‌های تداوم نسل صالح را فراهم کردند. (قرشی، ۱۳۷۷: ۴۱۱)

اسلام با تشویق افزایش نسل از طریق بهترین زنان، سبب شد تا بانوان در پی تربیت و پرورش اولاد سالم و صالح باشند. حال آنکه پیش از آن، زنان در آن جامعه با نگاهی تحقیرآمیز تنها ظروفی برای پرورش فرزند به شمار می‌آمدند. تعلیم و تربیت یکی از عوامل مؤثر رشد نهادها در اسلام بود که این نقش از طریق مادر توسعه یافت؛ زیرا اسلام با اهمیت یکسانی آموزش مرد و زن، سبب شد تا زنان بعد از فراگیری امور دینی، اولین آموزه‌های دینی را به کودکان بیاموزند و نهاد آموزشی را در خانواده بنیان نهند. (قرشی، ۱۳۷۷: ۴۱۶)

۲-۳. نقش نظامی زنان

مبارزه علیه دشمنان و حفاظت از خانه، خانواده و وطن و دفاع از عقیده امر ذاتی و فطری است که در نهاد بشر به ودیعه نهاده شده است. هیچ انسان باغیرتی، به ظلم و ستم تن نمی‌دهد و در برابر تجاوز بیگانگان به حریم معتقدات، دارایی و زندگی اش بی تفاوت نخواهد ماند و با هر وسیله به مبارزه برخاسته و از خود دفاع می‌کند. روشن است که این مبارزه و دفاع هرگاه با عقیده صحیح و روشن همراه شود، دارای ارزش والاتری خواهد بود و مجاهد را به کمال رهنمون می‌سازند. عرف دینی و اجازه‌های شرعی به زنان مسلمانان صدر اسلام شرکت آنان را در غزوها، سریه‌های سده نخست اسلام تقویت می‌کند که در ادامه بررسی می‌شود:

۲-۳-۱. تشویق به مبارزه

همکاری با مجاهدین تنها با سلاح گرفتن و مبارزه روبرو محدود نمی‌شود، بلکه تشویق دیگران به جنگیدن و ایجاد روحیه سلحشوری و تقویت روحی مبارزان نیز در پیروزی بسیار تأثیر دارد. از این رو، شخص پیامبر اکرم (ص) موظف به تشویق مسلمانان به جهاد شده است. چنانکه خداوند در قرآن به پیامبر می‌فرماید: «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ؛ ای پیامبر! مؤمنان را به جهاد تشویق کن». (انفال: ۶۵) این کار در اصل جهاد به شیوه غیرمستقیم است و نوعی از جهاد با زبان شمرده



می‌شود. (زیدان، ۱۹۹۷، ۴: ۱۴۱۷)

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که زنان مسلمان به‌خوبی در این صحنه ایفای نقش کرده‌اند. در جنگ اُحُد وقتی کار بر مسلمانان سخت و آثار شکست ظاهر شد، تعداد زیادی از مردان از میدان جنگ گریختند. ام الحارث الانصاریه مانع فرار شوهر خود شد و او را به مبارزه و پایداری تشویق کرد و خود نیز به مبارزه پرداخت. (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ص ۹۰۴) ام عماره نیز که برای کمک‌رسانی به جبهه آمده بود، بر فراریان فریاد می‌زد و می‌گفت: سر شما چی آمده که فرار می‌کنید؟ (واقدی، ۱۴۰۹، ۴: ۱۸۲۸) به این ترتیب زنان مسلمان در صدر اسلام به تشویق مبارزان و جهاد کنندگان می‌پرداختند.

۲-۳-۲. پشتیبانی و تدارکات

نوع دیگر حضور نظامی زنان مسلمان، پشتیبانی نظامیان در پشت جبهه بوده است. انجام کارهایی مانند آب دادن به لشکریان، تهیه غذا، نگهداری و جمع‌آوری تیرها و دیگر سلاح‌ها که در صحنه نبرد باقی مانده بود، کمک به مجروحان و درمان موقت آنان، انتقال مجروحان و شهدا به شهر و غیره به نمونه‌هایی از این مورد اشاره می‌شود. السمیرا بنت قیس از زنان بنی دینار بود که برای کمک‌رسانی در صحنه‌های جنگ در احد حاضر شد. او خود پیکر دو فرزند شهیدش را به مدینه بازگرداند. الربیع بنت معوذ در غزوه‌های زیادی شرکت داشت و به کارهای مختلف می‌پرداخت، از جمله آن‌که به نظامیان آب می‌داد، مجروحان را مداوا می‌کرد و حتی مجروحان و شهدا را به مدینه منتقل می‌کرد. ام زیاد الاشجعیه به همراه گروهی از زنان برای همراهی پیامبر اکرم (ص) در غزوه خیبر آماده حرکت شدند. وقتی خبر به حضرت رسید، از آنان پرسیدند که با اجازه چی کسی آماده شده‌اید؟ گفتند خارج شدیم در حالی که دوا به همراه داریم تا مجروحان را درمان نموده و تیرها را بیاوریم و خمیر برای نان درست کنیم و طناب ببافیم و در راه خدا کمک کنیم. پیامبر اکرم (ص) به آنان اجازه داد تا همراه لشکر حرکت کنند. (کندری، ۱۳۸۲: ۱۰۹)

از سخنان ام زیاد در می‌یابیم که کمک‌های زنان در جبهه‌های نبرد در زمینه‌های



گوناهگونی بوده و آنان آمادگی داشتند به هرگونه که می‌توانند، به استقرار حق و دین خداوند کمک نمایند. برخی زنان به عنوان طبیب، نرس یا پرستاران ماهر نیز در جنگ‌ها شرکت داشتند. رفیده الاسلامیه در زمان خود از مشهورترین زنان طبیب بود. او در بسیاری از غزوات شرکت می‌کرد و به درمان زخمیان می‌پرداخت. در جنگ خندق، پیامبر اکرم (ص) خیمه‌ای در نزدیکی مسجد به او اختصاص داد و دستور داد مجروحان را به خیمه او ببرند. کعبیه بنت سعد الاسلامیه نیز از معدود طبیبان آن دوران بود. او در خیبر نیز حضور داشت (واقعی، ۱۴۰۹، ۲: ۵۱۰) حتی بارداری، مانع شرکت زنان در جنگ‌ها و کمک‌رسانی نبود. چنان‌که ام سلیم درحالی‌که باردار بود، در جنگ حنین شرکت کرد. در کتاب‌های تاریخی به نام زنانی اشاره شده است که در غزوه‌ها وضع حمل کرده‌اند؛ مانند همسر عاصم بن عدی که در خیبر سهله را به دنیا آورد، همسر عبدالله بن انیس نیز در جنگ خیبر وضع حمل کرد. (واقعی، ۱۴۰۹، ۲: ۶۸۵)

۲-۳-۲. مبارزه رو در رو با دشمن

علاوه بر نمونه‌هایی که فوقاً اشاره شد، برخی زنان حداقل برای دفاع از خود، سلاح حمل می‌کردند. نقل شده است که ام سلیم بنت ملحان، وقت شرکت در حنین با خود خنجر داشت. چون این مسئله را به اطلاع حضرت پیامبر اکرم (ص) رسانده شد، ایشان از او در مورد علت حمل سلاح سؤال کرد. ام سلیم پاسخ داد که آن را همراه دارم تا اگر مشرکی به من نزدیک شد، شکمش را بدرم. (ابن هشام، ۱۴۱۵، ۳: ۹۶) پیامبر اکرم (ص) مانع این کار او نشد، عدم ممانعت پیامبر بزرگ اسلام (ص) نشانگر تأیید ضمنی این کار است.

البته زنان تا جایی که نیاز به شرکت مستقیم آنان در جنگ و رویارویی با دشمن نبود، از جنگیدن پرهیز می‌کردند؛ اما هرگاه احساس می‌کردند نظامیان مسلمان در برابر مشرکین اندکند یا مسلمانان در حال شکستند، پا به صحنه نبرد گذاشته و به یاری پیامبر اکرم (ص) می‌شتافتند. واقعی نقل کرده که در جنگ احد هنگامی که حمله مشرکان شدت گرفت و آثار شکست در سپاه مسلمانان پدید آمد، مسلمانان جز



تعداد انگشت‌شماری گریختند و تنها افراد معدودی به دفاع از پیامبر (ص) پرداختند. نسیم بنت کعب الانصاریه مشهور به ام عماره یکی از ایشان بود. او که برای آب دادن به جنگجویان به جبهه آمده بود، مشک آب را رها کرد و سلاح به دست گرفت و به دفاع از پیامبر اکرم (ص) پرداخت. او با هر وسیله ممکن، مشرکان را دور می‌کرد. حتی نقل شده که به طرف مشرکان و مرکب آن‌ها سنگ می‌انداخت. حضرت پیامبر اکرم (ص) که ناظر این صحنه بود، بر او تبسم کرد. ام عماره در این نبرد زخم‌های بزرگ برداشت، پیامبر اکرم (ص) وقتی متوجه زخم‌های وی شد، از پسرش عبدالله خواست که زخم‌های مادرش را پانسمان کند. پس از آن، ام عماره دوباره برخاست و به جنگیدن ادامه داد. بعدها پیامبر اکرم (ص) از شجاعت او در حمایت از خویش چنین یاد کرد: «هرگاه به‌سوی راست و چپ نظر افکندم، او را دیدم که می‌جنگد».

(واقعی، ۱۴۰۹، ۱: ۲۷۲)

درمان زخم‌ها و جراحات ام عماره یک سال به طول انجامید و اثر برخی از آن‌ها تا آخر عمر بر بدن او باقی ماند. او در غزوه‌های بنی قریظه، خیبر و حنین نیز شرکت کرد. شجاعت و دلاوری او در حنین کمتر از اُحد نبود، از او خود نقل کردند که در حنین مردم از هر سو می‌گریختند، ولی من و چهار زن دیگر می‌جنگیدیم. من شمشیری برداشتم، ام سلیم در حالی که عبدالله بن ابی طلحه را باردار بود، خنجر می‌حمل می‌کرد و نیز ام سلیط و ام الحارث هم چنین می‌کردند. مردی از هوازن را دیدم که پرچم جنگ را حمل می‌کند و سوار بر شتر به دنبال مسلمین می‌تازد. شترش را زدم و او به زمین افتاد و پی‌درپی او را زدم تا از پا در آمد. (ابن هشام، ۱۴۱۵، ۳: ۹۱)

ام عماره پس از وفات پیامبر اکرم (ص) نیز در جهاد مسلمانان شرکت کرد، چنان‌که در جنگ یمامه به‌سختی جنگید و یک دست او قطع شد. (واقعی، ۱۴۰۹، ۳: ۹۰۲)

در شرح حال ام حارث انصاری نوشته شده که وی در جنگ حنین حضور داشت و پس از شکست لشکریان اسلام، همراه فراریان نگریخت. به این ترتیب گاه شجاعت زنان در کارزار از مردان بیشتر بوده است و هنگامی که بسیاری از مردان از صحنه می‌گریختند، زنان به مقاومت بر می‌خاستند. (کندری، ۱۳۸۲: ۱۱۳)



در جنگ خندق، صفیه بنت عبدالمطلب، عمهٔ پیامبر اکرم (ص) همراه زنان و کودکان در حصار یا پناهگاه بودند. حسان بن ثابت نیز در آنجا بود و گویا وظیفهٔ نگهداری از زنان و کودکان را به عهده داشت. یهودی از بنی قریظه به قصد تهدید و نفوذ در حصار در اطراف آنان می‌چرخید. صفیه متوجه او شد و از حسان خواست از حصار بیرون رفته و او را از پای درآورد؛ اما حسان اظهار داشت که می‌ترسد. از این رو صفیه چوبی به دست گرفت و از حصار خارج شد و در فرصتی با استفاده از غفلت یهودی، ضربه‌ای به سر او زد و او را کشت. وقتی این قضیه برای پیامبر اکرم (ص) نقل شد، ایشان بسیار مسرور شد و به گونه‌ای خندید که کمتر از ایشان دیده شده بود. این اولین زن مسلمان بود که مردی از مشرکین را کشت. (ابن هشام، ۱۴۱۵، ۳: ۲۵۲)

زنان مسلمان پس از وفات پیامبر اکرم (ص) نیز در جنگ‌ها شرکت داشتند و در موقع لزوم، سلاح به دست گرفته و رودر رو با دشمن می‌جنگیدند. قطعاً همراهی زنان با نظامیان مسلمانان برای تفریح نبوده است، بلکه زنان به منظور پشتیبانی نظامیان با آنان همراه می‌شدند و در مواقعی که کارزار بر مسلمانان سخت می‌شد، حتی به مبارزه رودر رو با دشمن می‌پرداختند. در جنگ‌هایی که برای فتح سرزمین شام صورت گرفت، در بسیاری از موارد، کاربر مسلمانان سخت می‌شد. در این هنگام زنان نیز همراه مردان با رومی‌ها جنگیدند. از جمله آن‌که در جنگ با نظامیان پطرس، فرمانده لشکر روم، خوله بنت الازور پنج رومی و عفراء بنت غفار الحمیریة چهار تن را کشتند. در یرموک نیز زنان شرکت فعال داشتند. در کتاب فتوح الشام آمده است که زنان تا حد مرگ می‌جنگیدند. (واقدی، بی‌تا، ۲: ۲۷۲)

در این جنگ زنان از یک سو مسلمانان فراری را با چوب و سنگ می‌زدند و با سخنان خود به بازگشت به صحنهٔ نبرد تشویق می‌کردند و از سوی دیگر خود آنان نیز در مبارزه شرکت می‌کردند. اسمع بن یزید بن السکن از جمله زنانی است که در این نبرد شرکت داشت و نه رومی را با چوب خیمه کشت. ام حکیم بنت الحارث المخزومیة به همراه همسرش عکرمه بن ابی جهل، در جنگ یرموک شرکت داشت و جنگید. او در نبرد مرج الصفر هم شرکت کرد و هفت تن از رومیان را کشت. (ابن



اثیر، ۱۳۸۲، ۲: ۷۳)

در واقعهٔ اجنادین، خوله بنت الازور برای نجات برادرش که اسیر رومی‌ها شده بود، لباس نظامی را پوشید و به دشمن حمله کرد. او به گونه‌ای این کار را انجام داد که مسلمان‌ها گمان کردند، خالد بن ولید است. او یک بار دیگر نیز به همراه مردانی از سپاه مسلمین، برادر خود را از اسارت نجات داد. (واقدی، بی‌تا، ۲: ۳۰۰)

۲-۳-۳. مداوای مجروحان نبردهای اسلام

از دیگر فعالیت‌های زنان صدر اسلام، مداوا و پرستاری از مجروحین در نبردها است. طبق گزارش‌های تاریخی در بعضی از جنگ‌های پیامبر اکرم (ص)، زنانی بودند که همراه سپاه بوده و در خیمه‌های ویژه‌ای به مداوای مجروحان می‌پرداختند. ابن عباس درباره این گونه زنان می‌گوید: «پیامبر اکرم (ص) آن‌ها را همراه خود در جنگ می‌برد و آن‌ها به مداوای مجروحان می‌پرداختند و از غنیمت جنگی، سهم می‌بردند. یکی از زنان می‌گوید: ما شش زن بودیم که در جنگ خیبر همراه پیامبر اکرم (ص) بودیم و به مجروحان دارو می‌دادیم و به آن‌ها شربت (سویق) می‌نوشانیدیم. وقتی که دژ خیبر گشوده شد، پیامبر اکرم (ص) به ما سهمی از غنائم معادل سهم مردان داد. کعبه دختر سعد اسلمیه یکی از این زنان است که در خیبر شرکت داشته است. درباره او نقل شده که پیامبر اکرم (ص) مکانی را در مسجد مدینه برای او در نظر گرفت که در آنجا به مداوای مجروحان و طبابت بیماران اشتغال داشت. رُفیده نام زنی از قبیله اسلم است که پیامبر اکرم (ص) نیز خیمه‌ای برای او در مسجد خود برپا کرده بود که در آنجا به مداوای بیماران می‌پرداخت. از جمله بیماران او می‌توان از سعد بن معاذ یاد کرد و از زنان دیگری همچون ربیع دختر محوذ، لیلی غفاری، معاده غفاری، ام ایمن، ام سنان اسلمی، ام کبشه قضاعی، ام روقه انصاری، ام سلمه نیز به عنوان مداواکنندگان مجروحان جنگی یاد شده است». (ابن هشام، ۱۴۱۵، ۴: ۲۵۰)

۴-۲. نقش اقتصادی زنان

وضعیت نظام اقتصادی منطقهٔ حجاز پیش از اسلام برخوردار از نظام معیشتی و کشاورزی ساده و به علت وضعیت خاص شهر مکه برخوردار از منفعت‌های تجارت



بود. پیش از ظهور اسلام، مکه مرکز تجارتی بود، خصوصاً در ایام حج بازارهای مهمی در آن برقرار می‌شد. در محیط مکه گرچه به زنان به دیده تحقیر نگریسته می‌شد و گاه در میان برخی افراد و قبيله‌ها، زنده به گور کردن دختران رواج داشت؛ اما زنان توانمندی نیز در صحنه اجتماع حضور داشتند و در بازار و تجارت فعالیت می‌کردند. مالداري در مکه رواج داشت و طبق قاعده، زنان نیز در این امر کمک می‌کردند. همانطور که خداوند (ج) در سوره قصص آیه‌های ۲۳ تا ۲۶ از دختران شعیب (ع) یاد می‌کند که گوسفندان را برای آب دادن به سر آب مدین بردند و موسی (ع) گوسفندان را آب داد.

به‌طور معمول وضعیت اقتصاد معیشتی و ساده به علت مشکل‌ها و سختی کار اقتصادی، همه افراد خانه را درگیر کار می‌کند. تأمین نیازهای عادی خانه محتاج کار است. تهیه آب و سوخت و... برای مصرف روزانه کار طلب می‌کرد و هیچ‌یک از افراد خانه نمی‌توانست از کار به دور باشد. نظام خانواده و قبيله، کار فرد را تعریف می‌کرد؛ خصوصاً در مکه و حجاز که نظام قبیله‌ای قدرتمندی حاکم بود. البته از زمانی که راه تجاری مکه به یمن و روم باز شد، امکان کسب ثروت از این راه برای اهل مکه فراهم شد، و گرنه پیش از آن درآمد مردم محدود بود. خداوند نیز در سوره قريش، نعمت کاروان تجاری قريش را که در تابستان و زمستان به یمن و روم سفر می‌کرد و باعث امنیت، ثروت و رفاه شد گوشزد کرده و مردم را به شکرگزاری دعوت می‌کند. با ترویج سفر تجارت، ثروتمندها اموال خود را در اختیار افراد امین و توانمند قرار می‌دادند یا خود به سفر می‌رفتند و در خرید و فروش اجناس و مبادله کالاهای هندی، رومی و آریایی شرکت می‌کردند. با این صورت زنان نقش مهمی در راستای توسعه اقتصادی جامعه صدر اسلام داشته‌اند.

۵-۲. نقش سیاسی زنان

قرآن کریم بیعت با حکومت را که بارزترین مظهر میثاق سیاسی در جامعه است، برای زنان می‌پذیرد. قرآن می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعَنَّكَ عَلَى أَنْ لَا يَشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ



وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِيْهْتَانٍ يَفْتَرِيْنَهُ بَيْنَ أَيْدِيْهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيْنَكَ فِيْ مَعْرُوفٍ فَبَايَعُهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ؛ ای پیامبر! چون زنان با ایمان نزد تو آیند که با این شرط با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و بچه‌های حرام‌زاده‌ای را که پس انداخته‌اند، با بهتان و حيله به شوهر نهند و در کار نیک از تو نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است. (ممتحنه: ۱۲)

تاریخ صدر اسلام نیز نشان‌دهنده تحقق این عمل سیاسی از سوی زنان است. به لحاظ تاریخی، اولین حضور زنان در بیعت، در عصر رسالت پیامبر اکرم (ص) در عقبه منی (عقبه نخست) بود. این بیعت زمانی انجام شد که مسلمانان به شدت از جانب مخالفان و کفار تحت فشار و آزار بودند، تا جایی که پیامبر اکرم (ص)، کوه صبر و استقامت، به درگاه الهی شکوه می‌کرد. (ابن هشام، ۱۴۱۵، ۱: ۴۴۴)

این بیعت به «بیعت النساء» معروف است؛ زیرا پیامبر اکرم (ص) پس از فتح مکه با زنان مسلمان بر پایه همین شرایط بیعت کرد. در این بیعت هم التزام به جهاد در کار نبود و مضمون بیعت نساء نیز همین است. دلیل دیگر این نام‌گذاری این بیعت به بیعه النساء را حضور زنی به نام عفراء دختر عبید بن ثعلبه دانسته که به عنوان نخستین زن با پیامبر اکرم (ص) بیعت کرده است. (ابن هشام، ۱۴۱۵، ۱: ۴۳۰)

با این حال، عمده منابع، حاضران در بیعت عقبه اول را ۱۲ مرد دانسته‌اند و از حضور زنی به نام عفراء در این بیعت چیزی ننوشته‌اند؛ هرچند از حضور فرزندان وی به نام‌های عوف و معاذ یاد کرده‌اند. در هر صورت، حاضران پس از انجام بیعت به یثرب بازگشتند. پیامبر اکرم (ص) نیز مصعب بن عمیر را به عنوان نماینده خود همراهشان فرستاد تا به هر کس که مسلمان شد، قرآن بیاموزد و مردم را به سوی خدا دعوت کند. از این رو بعد از بازگشت این گروه به یثرب تبلیغات وسیعی برای گسترش اسلام آغاز شد. (ابن هشام، ۱۴۱۵، ۲: ۹۵)

در ذی الحجه سال بعد (سیزده بعثت) ۷۵ نفر (۷۳ مرد و ۲ زن) از مسلمانان همراه



مصعب بن عمیر، نماینده پیامبر اکرم (ص) در یثرب، از یثرب به مکه آمدند و آمادگی خود را برای اطاعت از پیامبر اکرم (ص) اعلام کرده و با ایشان بیعت جدیدی بستند که به «بیعت عقبه دوم» مشهور است. (ابن هشام، ۱۴۱۵، ۲: ۱۰۹) در این بیعت دوزن به نام‌های اسماء دختر عمرو بن عدی از بنی سلمه معروف به ام‌منیع و نسیمه دختر کعب بن عمرو بن عوف از بنی مازن معروف به ام‌عمار حضور داشتند. ام‌عمار در بیعت رضوان و بسیاری از نبردها همراه پیامبر اکرم (ص) شرکت کرد. این زنان همراه سایر بیعت‌کنندگان در شب ۱۳ ذی‌الحجه مخفیانه در منی نزد پیامبر اکرم (ص) آمدند و با آن حضرت بیعت کردند. به نقل ابن هشام، بیعت زنان با پیامبر اکرم (ص) بیعت با زبان بود. آنان متعهد شدند همان‌گونه که از فرزندان و خانواده خویش دفاع می‌کنند از پیامبر اکرم (ص) نیز دفاع نمایند و دستورات وی را اطاعت کنند. (ابن هشام، ۱۴۱۵، ۲: ۹۷)

درباره این بیعت عباد بن صامت که در جریان بیعت عقبه اول نیز حضور داشت، می‌گوید: «پیمانی که با پیامبر بستیم، پیمان جنگ بود تا در همه حال شنوا و فرمان‌بردار باشیم و بیهوده عذر تراشی نکنیم و بر او پیشی نگیریم. در امر زعامت با او درگیر نشویم، همواره حق‌گو باشیم و در پیشگاه خدا، از چیزی باک نداشته باشیم». (واقعی، ۱۴۰۹، ۴: ۴۲۵) این بیعت در شرایط بسیار حساسی واقع شد؛ زیرا مشرکان از ماجرا آگاه شدند و به سرعت به سوی مسلمانان یثربی آمدند تا آنان را دستگیر و شکنجه کنند، ولی مسلمانان که از نیت کفار مطلع شده بودند، پیش از سر رسیدن آن‌ها از مکه خارج شدند. بیعت با پیامبر اکرم (ص) بار دیگر در جریان صلح حدیبیه تکرار شد. در این زمان یعنی سال ششم هجری، مکه هنوز پایگاه شرک بود و مشرکان گاه و بیگاه حملات سختی به مسلمانان می‌کردند. پیامبر در ذی‌قعدة سال ششم هجری همراه گروه بسیاری از مسلمانان، به قصد انجام عمره عازم مکه شد. در این سفر چهار زن (ام‌سلمه، ام‌عمار، ام‌منیع و ام‌عامر اشهلی) همراه پیامبر اکرم (ص) بوده‌اند (واقعی، ۱۴۰۹، ۴: ۴۲۵)

مشرکان مکه پس از آگاهی از حرکت پیامبر اکرم (ص) مانع ورود حضرت به مکه



شدند و شرایط سختی را برای پیامبر (ص) پدید آوردند. در این وضعیت حساس و اضطراری، پیامبر اکرم (ص) برای تجدید پیمان خود با مسلمانان، آنان را زیر درختی جمع کرد و تمام همراهانش، به‌غیر از جذبن قیس انصاری با ایشان بیعت کردند و سوگند یاد کردند که تا آخرین نفس از حریم آیین پاک اسلام دفاع کنند و از جان‌فشانی در راه آرمان‌های بعثت دریغ نورزند. موقعیت چنان حساس بود که مسلمانان می‌گفتند ما بر جان بیعت کردیم. به سبب اهمیت این بیعت، آیاتی نازل شده است که در آن، خداوند رضایت خویش را از بیعت‌کنندگان بیان می‌دارد و به همین خاطر این بیعت به «بیعت رضوان» شهرت یافت. خداوند این آیه را نازل کرد: «إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا». (فتح: ۱۰) خداوند بیعت با پیامبر را بیعتی الهی می‌خواند و به همه بیعت‌کنندگان تذکر می‌دهد که اگر بر سر پیمان و عهد خود بمانند پاداش عظیمی خواهند داشت؛ اما اگر آن را بشکنند زیانش متوجه خود آن‌ها است. در وصف بیعت زنان با پیامبر اکرم (ص) در صلح حدیبیه چنین آمده که حضرت علی (ع) به‌عنوان عهده‌دار امور این بیعت، لباسش را پهن نمود. زنان با عنوان بیعت بر آن لباس دست می‌کشیدند و سپس پیامبر اکرم (ص) دست می‌کشید و بدین ترتیب، بیعت بین پیامبر اکرم (ص) و زنان واقع شد. (احمد، ۱۴۰۴، ۱: ۳۵۴)

بیعت دیگر در جریان فتح مکه اتفاق افتاد. پیامبر اکرم (ص) در سال هشتم هجری مکه را فتح و کعبه را از لوٹ و جود بت‌ها پاک کرد. بلال با بانگ اذان شکست شرک را از فراز کعبه به گوش همگان رسانید. آنگاه پیامبر اکرم (ص) بر کوه صفارفت و از مردم خواست که با ایشان، بیعت نمایند. با دعوت پیامبر، مردم گروه‌گروه نزد حضرت می‌آمدند و بیعت می‌کردند. در این بیعت، تفاوتی بین زنان و مردان وجود نداشت و همان‌گونه که مردان با پیامبر اکرم (ص) بیعت نمودند، حدود ۵۰۰ نفر از زنان نیز پس از مردان، بیعت می‌کردند. نوشته‌اند که چون پیامبر از بیعت مردان فراغت یافت، با زنان نیز بیعت کرد و گروهی از زنان قریش برای بیعت وی آمدند.



از جمله هند دختر عتبه بود که به سبب رفتاری که با حمزه کرده بود، نقابدار و ناشناس آمد. (طبری، ۱۳۷۳، ۲: ۱۱۹۰)

پیامبر اکرم (ص) در این بیعت برای زنان شرایطی را قرار داد. آیه ۱۲ سوره مبارکه ممتحنه در همین باره نازل شده است. خداوند متعال در این آیه به پیامبر دستور می دهد که هرگاه زنان مؤمنه نزد تو آمدند و تعهد دادند که بر خدا شرک نورزند، فضایل اخلاقی را رعایت نمایند، دزدی نکنند، زنا ننمایند، فرزندان خود را نکشند و...، با این شرایط، تعهد آنان را بپذیر و بیعتشان را قبول کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۹: ۴۱۱)

این آیه شریفه در واقع، به روشنی حکم بیعت زنان مؤمن با رسول الله (ص) را بیان می کند. در ضمن، چون به صورت جمله شرطیه بیان شده، مواردی را هم برای آنان شرط کرده که برخی مشترک بین زنان و مردان است؛ مثل شرک نورزیدن به خداوند، عدم نافرمانی پیامبر اکرم (ص) و برخی دیگر، بیشتر مربوط به زنان است؛ مثل احتراز جستن از زنا و نسبت دادن اولاد دیگران به شوهر. به دنبال آن، پیامبر اکرم (ص) بیعت آنان را درباره شرایط یادشده در آیه پذیرفت و از آنان تعهد گرفت تا برخلاف شیوه اسلامی رفتار نکنند. بیعت زنان با پیامبر اکرم (ص) بدین گونه بود که به دستور پیامبر ظرفی پر از آب را آماده کردند. ایشان دست خود را در ظرف آب فرو بردند و بیرون آوردند و پس از آن، زنان به عنوان اقرار و ایمان به خدا و تصدیق پیامبر اکرم (ص) دست خویش را در همان آب فرو بردند و بدین گونه بیعت انجام شد. عده ای نیز گفته اند که پیامبر اکرم (ص) با کلام از زنان بیعت می گرفت؛ یعنی شیوه بیعت پیامبر اکرم (ص) با زنان به وضوح نمایانگر این امر است که دین مقدس اسلام بر حضور زنان در صحنه اجتماع و سیاست تأکید دارد. از سوی دیگر، بر رعایت حدود و مرزها بین مردان و زنان در جامعه نیز تأکید می ورزد. پیامبر اکرم (ص) در بیعت با زنان از دست در دست گذاشتن، خودداری می نمود و هرگز دست پیامبر اکرم (ص) دست زن نامحرمی را لمس نکرده است. (بخاری، ۱۴۰۲، ۴: ۴۷۹)

در زمان پیامبر اکرم (ص) نیز مانند سایر پیامبران الهی، این ضرورت مهم برای



امت اسلام پیش آمد و مسلمانان از هجرت به عنوان روشی در راه نجات اسلام و نشر تعالیم آن در دیگر نقاط گیتی، بهره بردند. مسلمانان دو هجرت بزرگ یکی به حبشه و دیگری به مدینه داشتند. در آیه ۹۷ و ۹۸ سوره «نساء» آمده که زنان همچون مردان وظیفه دارند از حکومت کفر به سرزمین اسلامی هجرت نمایند: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعِفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا لَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا»؛ (نساء: ۹۷) در آیه ۵۰ سوره احزاب نیز خداوند متعال شرط جواز ازدواج زنان با پیامبر اکرم (ص) را هجرتشان به سرزمین حکومت اسلامی قرار می دهد. این موضوع، اهمیت هجرت زنان مسلمان را بیش از پیش مشخص می سازد. همچنان زنان ابزاری قدرتمند برای ترویج و گسترش تمدن و فرهنگ اسلامی بودند. هم از جهتی که زن برای جامعه انسانی در حکم منبع عاطفی و معنوی شمرده می شود و هم به عنوان مادر، همسر و خواهر می تواند تأثیر ژرفی در روند تربیتی جامعه صدر اسلام بگذارند.

از سوی دیگر، با توجه به نوع آفرینش زنان می توان به جایگاه آنان در نظام هستی و نقش و تأثیر بسزای آنان وقوف یافت و در نتیجه دریافت که نقش زن در رابطه با اصلاحات و انحرافات جامعه و پیروزی و شکست انقلاب های جهان و جریان های سیاسی و اجتماعی و اخلاقی ارتباط مستقیم داشته است. در آمار و ارقام پیشگامان دین در صدر اسلام، همان گونه که حضرت پیامبر و خاندان و اصحابشان در صف مقدم حضور داشتند، زنانی چون سمیه آل یاسر در صف مقدم، حضور داشتند. حضور چنین زنانی در صحنه سیاست و اجتماع تنها در اثر بلوغ فکری و فرهنگی آنان است که حقانیت دین را تشخیص داده و در راستای گسترش آن مبارزه کردند. زنان قهرمان صدر اسلام با خطابه ها و سخنرانی ها، برخی با شعر و بسیاری نیز با استمداد از هنر نشئت گرفته از فطرت پاکشان، برخی با تعلیم و تدریس و برخی دیگر با تحریک عواطف انسانی توانستند در جهت انتقال فکر و عقیده و اخلاق و ارزش های دینی گام مؤثری بردارند. فاطمه (س) برای زنان جلسه تدریس عمومی دایر می کردند، هم چنین زنان به صورت فردی نزد او آمده و مسائل دینی خود را می پرسیدند.

نتیجه‌گیری

بازتاب تلاش‌های زنان در ساختن تمدن اسلامی، حتی در جهان حاضر هم قابل توجه است. هرچند وجود شاخصه‌های اجتماعی زنان صدر اسلام با وضعیت زنان جهان فعلی کاملاً فرق دارد؛ خاصه وضعیت زنانی که قبل از ظهور اسلام در عربستان و دیگر بلاد سکونت داشتند. آنان نه تنها هیچ‌گونه صلاحیت و اختیارات حقوقی و شرعی نداشتند، بلکه در برخی مناطق حق حیات نیز از آنان گرفته شده بود. ظهور اسلام به‌رغم اینکه روزنه امید در زندگی قشر اناث گشود و ارزش انسانی و شرعی آنان را به آن‌ها بازگرداند، زنان را در راستای فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز تشویق و ترغیب نمود.

زنان شاعر صدر اسلام به مجموعه کتاب‌های ادبی عبری و لاتینی آشنایی یافته بودند که آنان را در راستای مدح‌خوانی و شعر سرایی کمک می‌کرد. بنابراین تعداد کثیری از زنان مسلمان، شعر و مدح‌های علمی و معیاری می‌سرودند تا حدی که برخی شعرهای آنان فعلاً مایه تحیر شعرا شده است. در بخش‌های نظامی از قبیل تهیه تدارکات مانند شمشیر، نیزه، سپر، آب، غذا، لباس و غیره کمک شایانی در جبهه کرده‌اند؛ به گونه‌ای که هرگاه عربی احساس بی‌انگیزگی در جنگ می‌کرد، زنان آنان را تشویق و ترغیب می‌کردند تا با صدق دل بجنگند. مصداق اصول رفتاری زنان، آیه‌های قرآن، احادیث و رشادت حضرت پیامبر اکرم (ص) است. مخالفت با حضور زنان در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی شبهه‌ای است که هم عملاً در اطراف و اکناف خویش به‌وضوح مشاهده می‌کنیم. بیعت زنان با پیامبر اکرم (ص) و هجرت مردان و زنان به دستور پیامبر (ص) حاکی از فعالیت‌های سیاسی زنان است توسط پیامبر اکرم (ص) اجازه داده شده است؛ همان‌گونه حضور پررنگ زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، خاصه صلاحیت و اختیارات زنان در خانه و مسئولیت آنان جهت حفظ و نگهداری خانه و تربیت فرزند توسط پیامبر (ص) تأیید شده است. هر نوع فعالیت سیاسی و اقتصادی که به نفع عمومی جامعه و اجازه قرآن باشد، مجاز شمرده می‌شود.





فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۳۸۲)، تاریخ الكامل، (ترجمه: حمیدرضا آژیر)، تهران: انتشارات اساطیر.
۲. ابن هشام، عبدالملک، (۱۳۹۲)، سیرت رسول الله، (ترجمه: رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی)، تهران: میراث مکتوب.
۳. ابن هشام، عبدالملک، (۱۴۱۵)، السیرة النبویه، (تحقیق: مصطفی السقا، ابراهیم الایاری و عبدالحفیظ شلبی)، بیروت: دارالحیاء.
۴. اچ، ترنر، جاناتان، (۱۳۷۸)، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، (ترجمه: محمد فولادی)، قم: موسسه آموزشی امام خمینی.
۵. امامی، محمد جعفر، (۱۳۸۷)، لغات در تفسیر نمونه، قم: انتشارات مدرسه علی بن ابیطالب (ع).
۶. امین، سید محسن، (۱۹۸۳)، اعیان الشیعه، بیروت: دارالمعارف.
۷. بخاری، محمد اسماعیل، (۱۴۰۲)، صحیح البخاری، بیروت: دارالکتب.
۸. بینش، عبدالحسین، (۱۳۸۸)، آشنایی با تمدن اسلام، قم: زمزم هدایت.
۹. جان احمدی، فاطمه، (۱۳۹۱)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: دفتر نشر معارف.
۱۰. حلبی، محمود طعمه، (۱۳۹۲)، نساء حول الرسول، حلب: دار الحیاء.
۱۱. خاتون، صائمه، (۱۳۹۸)، حقوق فردی و اجتماعی زن در صدر اسلام، فصلنامه تخصصی تاریخ‌نامه اسلام، سال اول، شماره اول.
۱۲. دخیل، علی محمد علی، (۱۴۱۰)، اعلام النساء یا فاطمة بنت اسد (رض)، بیروت: مؤسسه اهل البيت.
۱۳. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۹۴)، کارنامه اسلام، تهران: انتشارات امیرکبیر.



۱۴. زیدان، عبدالکریم، (۱۹۹۷)، المفصل فی احکام المراء و البيت السلم فی الشریعه الاسلامیه، بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۵. شاهین، عبدالصبور، (۱۳۷۶)، صحابیات حول الرسول، قاهره: دارالاعتصام.
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسن، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر نشر اسلامی.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۳)، تاریخ طبری، (ترجمه: ابوالقاسم پاینده)، تهران: انتشارات اساطیر.
۱۸. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.
۱۹. کندری، سهیلا جلالی، (۱۳۸۲)، حضور نظامی زنان در صدر اسلام، فصلنامه علمی و پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال سیزدهم، شماره ۴۶.
۲۰. مصطفوی، فریده، (۱۳۸۲)، زن از منظر اسلام، قم: نشر کتاب بوستان.
۲۱. معین، محمد، (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی معین، تهران: نشر کتاب آراد.
۲۲. واقدی، ابن سعد، (۱۳۷۴)، الطبقات الکبری، (ترجمه: محمود مهدوی)، تهران: فرهنگ و اندیشه.
۲۳. واقدی، ابوعبدالله بن عمر، (بی تا)، فتوح الشام، بیروت: دارالجلیل.
۲۴. واقدی، ابوعبدالله محمد بن عمر، (۱۴۰۹)، المغازی، بیروت: مؤسسه اللاعلمی للمطبوعات.

